

به نام حق

عنوان :

فرآیند درونی سازی تربیت دینی

با تشکر از زحمات استاد گرامی :

جناب آقای عزیزی

تهیه کنندگان :

صدیقه بیرامی - اکرم امان گنجی

دانشجویان تربیت معلم آیت الله مدنی

کارشناسی آموزش ابتدایی ترم ۱

پاییز ۱۳۸۸

چکیده مطالب مطرح شده در این مقاله :

ضرورت مطرح کردن موضوع درونی کردن ارزش های اسلامی ، الهام گرفته از کلام حق تعالی در قرآن کریم می باشد که فرموده اند اعمال با نیت و خلوص درونی سنجیده می شود و افرادی نزد خدا گرامی تر هستند که با تقواتر باشند و تقوا همان نیروی درونی است که انسان را از بدی ها و زشتی ها باز می دارد و او را به هدف آفرینش او که همان عبادت معبود است می رساند پس بدون تقویت این نیرو که لازمه رشد واقعی انسان است نمی توان او را در زمینه رشد و بالندگی یاری داد انسان فطرتا خدا جو و حق گراست مثل آب روانی که اگر خار و خاشاک جلوی آن را نبسته باشند خود به خود راه پیوستن به دریا را می پیماید که مصداق شعر زیر می باشد .

ما ز بالاییم و بالا می رویم ما ز دریاییم و دریا می رویم

و به آن مقام معنوی خود که از فرشتگان بالاتر است می رسد و اگر به حال خود رها شود ممکن است از حیوانات هم پست تر گردد همان طور که قرآن کریم خداوند خطاب به چنین انسان هایی فرموداند : اولئک الانعام بل هم الضل آنان مثل حیوان هستند بلکه پست تر و این دامنه ی مسیر رشدی وسیع انسان باعث می شود که او بتواند با سعی و تلاش و مبارزه با بدی ها و زشتی ها خود را صیقل دهد و به مراتب بالا برسد . برای درک بهتر مطالب بالا مثال تبدیل طلای ناخالص به طلای ناب و خالص که لازمه ی آن تحمل درجه حرارت بالا می باشند مثل مناسبی است زیرا انسان نیز برای رسیدن به مراتب بالای رشد باید سختی تحمل کند پس لازمه رشد انسان مبارزه با نفس است . در این میان وظیفه ی انبیا و به طبع آن ها معلمین محترم این است که فطرت خداجوی انسان را از خواب بیدار کنند و او را از رفتن به بیراهه نجات دهند این وظیفه همان وظیفه ی درونی کردن ارزش ها در انسان ها می باشد.

اهداف تحقیق

اهداف کلی: درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش آموزان

اهداف جزئی تحقیق:

- ۱- شناسایی عوامل و شیوه های موثر برای درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش آموزان
- ۲- پیدا کردن راهکارهای عملی برای تحقیق درونی شدن ارزش های اسلامی در دانش آموزان
- ۳- شناسایی موانع و محدودیت های درونی شدن ارزش های اسلامی در دانش آموزان
- ۴- پیدا کردن راهکارهای عملی برای از بین بردن موانع درونی شدن ارزش های اسلامی در دانش آموزان

سوالات تحقیق

- ۱- آیا میان شیوه های تربیتی مربیان، معلمان، مدیران و معاونان با درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش آموزان، رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا میان محتوای کتب درسی و درونی شدن ارزش های اسلامی در دانش آموزان رابطه وجود دارد؟
- ۳- آیا میان فضای فیزیکی مدرسه (کلاسها، سالنها، حیاط، نمازخانه...) و درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش آموزان، رابطه وجود دارد؟

تعاریف واژه ها و اصطلاحات

۱ مربی

به بخشی از کارکنان و مستخدمان وزارت آموزش و پرورش که به صورت مستقیم و رسمی متکفل امور تربیتی و دینی دانش آموزان در مدارس هستند، اصطلاحاً مربیان تربیتی (پرورشی) اطلاق می شود.

۲ درونی کردن

«مقصود از درونی کردن یک امر آن است، که آن جزئی از وجدان شخصی شود، به گونه ای که نقض آن ارزش نزد شخص، طبیعی احساس خطا و شرم برانگیزد و شخص تعهد وجدانی دارد که آن را محترم بشمارد.

۳ ارزش ها

مقصود ما از ارزش ها در این تحقیق اموری است که دارای ویژگی های ذیل باشد:

- ۱- مبین طبقه بندی و درجه بندی امور از خوب تا بد یا از مثبت تا منفی است.^۱
- ۲- مفید است.
- ۳- خواستنی است.
- ۴- تحسین کردنی است.^۲
- ۵- احتیاجات انسان ها را برآورده می کند.^۳
- ۶- مورد توجه و احترام است.^۴

^۱ فرامرز رفیعی: «آیاتومی جامعه»

^۲ عبدالحسین نیک گهر: «مبانی جامعه شناسی»، ص ۲۸۰

^۳ پرویز صانعی: «جامعه شناسی ارزش ها»، ص ۴۲

۴ ارزش های اسلامی

به گمان ما همه تعالیم اسلامی از نظر مسلمانان ، دارای ویژگی های مذکور است . مرحوم شهید مطهری تعالیم اسلامی را به سه بخش ذیل تقسیم کرده است که عبارتند از :

۱ بخش عقاید

بخش عقاید شامل مسائل و معارفی است که باید آنها را شناخت و بدانها معتقد بود و ایمان آورد مانند مساله توحید ، صفات ذات باری تعالی ، نبوت عامه و خاصه و ...

۲ بخش اخلاق

اخلاق شامل مسائل و دستورهایی است که درباره چگونه بودن انسان از نظر صفات روحی و خصلت های معنوی انسان از قبیل عدالت ، تقوی ، شجاعت ، عفت ، حکمت ، استقامت ، وفا ، صداقت ، امانت و ... بحث می کند .

۳ بخش احکام

احکام در مکتب اسلام مشتمل بر مسائل مربوط به کار و عمل است ؛ یعنی چه کارهایی و چگونه باید انجام شود . از قبیل نماز ، روزه ، حج ، جهاد ، امر به معروف ، نهی از منکر ، بیع ، اجاره ، نکاح و ...^۴

همان طور که می دانیم ایمان سه رکن دارد اول اعتقاد قلبی دوم اقرار به زبان سوم عمل به اعضاء و تا به مرحله سوم یعنی عمل نرسد نمی توانیم بگوییم که ارزش ها در فرد درونی شده است . همان طور که می دانیم در سوره زلزال خداوند به صراحت اشاره به سنجش اعمال نموده اند . « فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ » یعنی هرکس که به مقدار ذره ای عمل خوبی انجام دهد و یا ذره ای عمل شری مرتکب شود همه سنجیده خواهد شد و در جای دیگری از قرآن خداوند به این موضوع اشاره دارند که اعمال براساس نیت سنجیده می شوند باز اعمال هستند که سنجیده می شوند نه نیت ، در واقع نیت واحد سنجش اعمال هستند مثل محک که به وسیله ی آن طلای ناب و خالص را از طلای ناخالص جدا می کنند . در هر صورت آنچه مهم است عمل است و ما هم در این مقاله به دنبال راههایی هستیم که انسان ها را به این مرحله از ایمان برسانیم در این جا لازم است اشاره کنیم که منظور از عمل مرحله ای است که انسان به خود رهبری برسد و در همه شرایط عامل به آن باشد مثلاً اگر حجاب را به عنوان یک عمل پذیرفته است در هر شرایطی حتی در کشورهای خارجی به زور سرنیزه هم نتوانند او را وادار کنند که حجاب را کنار بگذارد .

درونی کردن ارزش ها

روان شناسان اجتماعی پاسخ افراد به نفوذ اجتماعی را به سه دسته مختلف تقسیم می کنند که عبارتند از :

الف (متابعت^۶

ب (همانند سازی^۷

ج (درونی کردن^۸

حال هر کدام از این پاسخها را ما به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم .

الف (متابعت :

^۴ منوچهر محسنی : « جامعه شناسی عمومی » ، ص ۲۱۷

^۵ مرتضی مطهری : « دوره کامل آشنایی با علوم اسلامی ، بخش کلام » ، ص ۱۴۳

^۶ Compliance

^۷ Internalization

^۸ Identification

این واژه رفتار فردی را توصیف می کند که به منظور کسب پاداش و یا اجتناب از تنبیه برانگیخته شده باشد. این رفتار معمولاً تا وقتی تنبیه یا پاداش وجود داشته باشد، ادامه پیدا می کند، مثلاً یک فرد مسلمان مبارز ضد صهیونیست را با تهدید به شکنجه یا وعده ثروت کلان ممکن است وادار ساخت تا به پرچم دولت غاصب اسرائیل احترام بگذارد، اما با حذف شکنجه و ثروت، احترام فرد به پرچم اسرائیل متوقف می گردد و یا یک حاکم ستمگر در راه استقرار حکومت ظالمانه و مستبدانه خویش از راه ارباب یا تطمیع ممکن است، عده ای از افراد را با خود همراه کند، اما همین که عامل ارباب یا تطمیع محو گردید، این همراهی نیز قطع می گردد.

ب) همانند سازی :

مفهوم همانند سازی از مکتب روانکاوی به ما رسیده است و نقشی مهم در نظریه فروید ایفا می کند. در مکتب روانکاوی، همانند سازی به فرآیندی ناهشیار اطلاق می شود که فرد طی آن ویژگی های (نگرش ها، الگوهای رفتاری، هیجان های) فرد دیگری را برای خود سرمشق قرار می دهد. کودکان خردسال با تقلید از نگرش ها و ویژگی های رفتاری والدین شان احساس می کنند که مقداری از قدرت و کفایت آنها را نیز به دست آورده اند، در روانکاوی، همانند سازی چیزی فراتر از تقلید صرف از والدین است. در این فرآیند کودک به گونه ای عمل می کند که گویی او خود، پدر یا مادر است، مثلاً وقتی مادری جایزه ای می گیرد، دختر او که با او همانند سازی کرده آن چنان احساس غرور می کند که گویی خود به دریافت چنین افتخاری نایل آمده است، وقتی مادر با شکست روبرو می شود، دخترش نیز اندوهگین می شود. همانند سازی یک پاسخ به نفوذ اجتماعی مبتنی بر آرزوی شخص برای همانند شدن با شخصیتی صاحب نفوذ است. در همانند سازی هم مانند متابعت، رفتار فرد ناشی از رضایت درونی نیست، بلکه برای برقراری رابطه رضایت بخش با شخص یا اشخاصی است که مایل است با آنها همانند شود. براین مبنا تفاوت همانند سازی با متابعت در این است، که در همانند سازی فرد به عقاید و ارزش هایی که اختیار کرده است، اعتقاد پیدا می کند، هرچند این اعتقاد خیلی استوار و پابرجا نیست. پس اگر فرد شخص یا گروهی را پسندیده باشد، این تمایل در او پدید می آید که نفوذ آن شخص یا گروه را بپذیرد و ارزش ها و نگرش های خود را با ارزش ها و نگرش های آن شخص یا آن گروه هماهنگ سازد. این عمل به خاطر کسب پاداش و یا اجتناب از تنبیه نیست، بلکه برای این است که با آن شخص همانند شود. به عنوان نمونه اگر دانش پژوهی معلم خود را کاملاً پسندیده باشد یا جوانی، هنر پیشه یا ورزشکاری را کاملاً پسندیده باشد، سعی می کند خودش را با ارزش ها و نگرش های آن معلم یا هنرپیشه یا ورزشکار هماهنگ سازد، و حتی ممکن است، مثل او حرف بزند، و مثل او راه برود یا مثل او لباس بپوشد و یا حتی تکیه کلام او را تکرار کند و ...

ج) درونی کردن

مقصود از درونی کردن این است که امری جزئی از وجدان شخصی شود، به گونه ای که نقص آن ارزش نزد شخص طبیعی، احساس خطا و شرم برانگیزد و شخص تعهد وجدانی کند که آن را محترم بشمارد. بدین جهت، درونی کردن یک ارزش یا اعتقاد عمیقترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است، انگیزه درونی کردن اعتقاد خاصی مبتنی بر این تمایل است که می خواهیم رفتار و افکارمان درست و صحیح باشد. بنابراین قبول آن اعتقاد پاداش درونی دارد. اگر شخص صاحب نفوذ، مورد اعتماد ما باشد و قضاوتش را معتبر بدانیم، عقیده ای را که وی از آن جانبداری می کند می پذیریم و به نظام ارزش های خود ادغام می کنیم. اما پس از این که این عقیده جزء نظام عقیدتی ما شد، از منبع خود مستقل می شود و در مقابل تغییر به سختی مقاومت می کند. حال برای فهم بهتر مطالب به توضیح ویژگی های هر یک از این سه قسم می پردازیم :

متابعت، ناپایدارترین سطح نفوذ اجتماعی است و کمترین تاثیر را بر رفتار فرد دارد. متابعت کننده از جبری که شرایط خاص ایجاد می کند، آگاه است و می تواند در غیاب این شرایط رفتار خود را به آسانی تغییر دهد. اگر کسی با تهدید تفنگ کاری انجام دهد، یا بچه ای به خاطر گرفتن شیرینی از مادرش به برادر یا خواهرش کمکی کند و یا چیزی ببخشد، او فرد سخی نیست. بنابراین

پاداش و تنبیه ، وسایل بسیار مهمی برای یاد دادن اعمال ویژه به مردم هستند . اما به عنوان فنون نفوذ اجتماعی ، بسیار محدود هستند چون اثر بخشی آنها منوط به وجود مداوم آنهاست ، مگر این که فرد دلیل دیگری برای ادامه رفتار پاداش دیده خود کشف کند .

در همانند سازی پاداش یا تنبیه مداوم ضروری نیست . شخصی که فرد با او همانند می شود لازم نیست که حضور داشته باشد . آنچه ضرورت دارد ، تمایل و آرزوی فرد برای همانند شدن با آن شخص است ، مثلا اگر به کسی علاقه داشته باشیم و او مدتها از ما دور شود و در شهر یا حتی کشور دیگری باشد ، باز هم به داشتن عقاید نظیر او ادامه می دهیم ، مشروط بر این که شرایط ذیل را واجد باشد :

۱ او همچنان در نظر ما مهم باشد .

۲ همان عقاید را داشته باشد .

۳ این عقاید را اعتقادات مخالفی که بیشتر قانع کننده هستند ، به مبارزه نطلبیده باشد .

با توجه به مطلب شماره ۳ لازم است به این نکته اشاره شود که مریبان محترم باید در نظر داشته باشند که همیشه عده ی افراد سودجو و فرصت طلب در حال تلاش هستند که از هر موقعیتی برای نفوذ در بین مردم و تفرقه افکنی میان آنها استفاده می کنند عده ای خود دشمن هستند و عده ای نیز افراد فریب خورده می باشند که وعده و وعیدهای مختلف آن ها را مجبور کرده اند که دیگران را مثل خودشان اغفال کنند پس بر مریبان است که به صورت مداوم دنبال کسب علم در زمینه ی مختلف فرهنگی ، سیاسی علمی - مذهبی - روانشناسی و ... باشند و از راهی که دشمن خواست رخنه کند ما بتوانیم راهی وسیع تر پیش روی مریبان خود قرار دهیم و به گفته معصومین (ع) قبل از اینکه ذهن بچه های ما را پر کنند و ما مجبور باشیم آن را اصلاح کنیم خودمان ذهن آنها را به گونه ای پرورش دهیم که نه تنها در مقابل تندبادهای لرزنده بلکه بتوانند افرادی را که در وادی انحراف افتاده و گول خورده اند را نجات دهند .

نکته : یک عمل ، ممکن است به علت هر یک از این سه نوع پاسخ به نفوذ اجتماعی انجام بگیرد . برای مثال می توان رفتار ساده رعایت قانون حداکثر سرعت را مورد بررسی قرار داد .

۱ - اگر به کسی گفته شود ، پلیس بخشی از جاده را زیر نظر دارد و او آهسته تر رانندگی کند ، این رفتار نمایشگر « متابعت » است ، چون فرد از ترس جریمه سرعتش را متعادل کرده است .

۲ - برخی ممکن است ، از این قانون بدین جهت پیروی کنند ، که همواره پدر ، دایه ، عمو یا هر شخصی که نزد آنان محبوب است ، این قانون را اطاعت می کند و یا نصیحت کرده است که این کار را انجام دهند . این رفتار « همانند سازی » است .

۳ - شخص ممکن است قانون حداکثر سرعت را بدان جهت رعایت کند که قانع شده است قوانین سرعت ، خوب و درست هستند و رعایت چنین قوانینی در جلوگیری از تصادفات کمک می کند . این « درونی کردن » است .

بررسی اجزای مهم پاسخ سه گانه به نفوذ اجتماعی :

برای تکمیل بحث باید اجزای مهم هر یک از این سه پاسخ را مورد بررسی قرار دهیم :

۱ - در متابعت ، جزء مهم قدرت است ، یعنی قدرت کسی که می تواند متابعت را پاداش دهد و سرپیچی را تنبیه کند ، بیشترین نقش را ایفا می کند . مثلا والدین یا معلمان می توانند فرزندان و دانش آموزان را تنبیه ، تحسین یا تمجید کنند ، کار فرمایان و یا مسئولان ادارات می توانند کارمندان را تشویق یا توبیخ کنند و ...

۲ - در همانند سازی ، عنصر مهم جاذبه و کشش است . از آنجا که فرد خود را با نمونه ای همانند - می کند ، و قائل است عقایدی مشابه او داشته باشد . هرچه جاذبه و کشش آن فرد بیشتر باشد ، همانند سازی قویتری صورت می گیرد . یا برعکس اگر شخصی یا گروهی مورد نفرت فردی است که شخص بلاه همانندسازی کرده است ، شخص همانند کننده نیز نسبت به آن فرد و گروه نفرت می ورزد و سعی می کند رفتار یا نظری مغایر آن فرد یا گروه از خود بروز دهد .

۳- در درونی کردن، جزء مهم قابلیت قبول است، قابلیت قبول شخصی که اطلاعات را فراهم می کند، در مرحله درونی کردن از نقش والایی برخوردار است. مثلاً اگر نوشته کسی را که خیلی به نظر شما قابل قبول است بخوانید، یعنی نوشته کسی را که هم متخصص درباره آن موضوع خاص است و هم انسانی صادق و راستگو، به علت تمایل شما به صحیح بودن نظریه او، تحت تاثیر نظریه او قرار می گیرید. اما اگر همین نظریه از سوی شخصی مطرح شود که در نظر شما شخصیتی قابل قبول نباشد، ممکن است شما تحت تاثیر نظریه او قرار نگیرید یا حتی آن را انکار کنید.

تذکر: بیان این نکته خالی از ضرورت نیست که ثبات رفتار مبتنی بر متابعت یا همانند سازی می تواند ناشی از این امر باشد که فرد درباره اعمال یا پیامدهای اعمالش چیزی کشف کند که ادامه آن رفتار را حتی متعاقب از بین رفتن دلیل متابعت اولیه اش ارزشمند سازد. مثلاً کسی را به زور تنبیه به ترک اعتیاد مجبور کنند، چند روزی که ترک کرد، شادابی و نشاط بیشتری کسب می کند و درک این شادابی و نشاط باعث می شود، بعد از برداشتن عامل جبری همچنان به ترک اعتیاد پای بند باشد.^۹

عوامل موثر در درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش پژوهان (متریبان)

عوامل موثر در درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش پژوهان را می توان به سه دسته کلی ذیل تقسیم کرد:

- (۱) روش های تربیتی مربیان
- (۲) محتوای متون آموزشی
- (۳) فضای فیزیکی آموزشگاه
- (۴) خانواده به عنوان اولین محیط تربیتی

به گمان ما قبل از بیان روش های تربیتی مربیان برای درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش پژوهان، طرح و تبیین بحث «شناخت متربی از سوی مربی» به عنوان مدخل، خالی از ضرورت نیست.

شناخت متربی از سوی مربی^{۱۰}

قبل از آنکه یک مربی شیوه ها و روشهای مختلف تربیتی را درباره متریبان اعمال کند، اگر مربی از ویژگی های شخصیتی متریبان (دانش پژوهان) آگاهی نداشته باشد، مسلماً جد و جهدهای مستمر او برای درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش پژوهان قرین توفیق نخواهد بود. متریبان در سنین مختلف ویژگی های مختلفی دارند، که آنها را به صورت کلی می توان به دو قسم تقسیم کرد:

- الف - ویژگی های عمومی متریبان در سنین مختلف: نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی
- ب - ویژگی های شخصی هر متربی در سنین مختلف

^۹ جهت توضیح بیشتر به منابع ذیل رجوع شود:

الف - الیوت ارونسون: «روان شناسی اجتماعی»، ترجمه شکرکن، ص ۳۲ - ۴۳

ب - ریتال اتکینسون، ریچاردس، اتکینسون، ارنست ر. هیلگارد: «زمینه روانشناسی»، ترجمه محمد تقی برهنی و دیگران، ج ۱، ص ۱۵۷ - ۱۷۰

ج - هدایت الله ستوده: «درآمدی بر روان شناسی اجتماعی»، ص ۸۶ - ۸۷، و ص ۲۸۹

^{۱۰} مقصود از مربی در این جا فقط مربیان پرورشی مصطلح در نظام آموزشی ما نیست، بلکه شامل همه معلمان، مدیران، ناظران و ... هر یک از عواملی است که در تربیت دانش پژوهان موثرند. اما در کار میدانی، ما به خاطر برخی از محدودیت های تحقیق میدانی فقط مربیان پرورشی به معنای خاص آن هم در مقطع راهنمایی و دبیرستان ناحیه دو آموزش و پرورش استان قم را مد نظر داشته ایم.

آشنایی با هر دو دسته ویژگی متربیان برای مربیان ضروری است. به خاطر تنوع و تکثرزاید الوصف ویژگی های شخصی هر متربی در سنین مختلف بیان آنها در این مقال میسر و مقدور نیست. لذا ما در این نوشتار صرفاً به رئوس ویژگی های عمومی متربیان در سنین مختلف اشاره می کنیم.

برخلاف تصور برخی از متفکران غربی در مکتب تربیتی اسلام تصریح^{۱۱} شده است که هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می آید، لذا زمینه پذیرش ارزش های اسلامی در هر نوزادی وجود دارد. این پدر و مادر و سایر عوامل تربیتی است که او را از مسیر خداشناسی دور می کند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده اند: «هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می آید، مگر این که پدر و مادر او را به سوی یهودی گری یا مسیحی گری بکشاند.»^{۱۲} براساس بررسی های روانکاوان، حس مذهبی (فطرت) قبل از چهار سالگی جنبه بروز و تجلی پیدا می کند و حتی در برخی کودکان حدود سنین دو سالگی هم، حس مذهبی تجلی و ظهور پیدا می کند.^{۱۳} براساس همین ویژگی است که در روایات توصیه شده است، که از سنین پایین کودکی آموزش معارف اسلامی شروع شود. امام صادق (ع) فرمودند: «وقتی بچه سه ساله شد کلمه (لا اله الا الله) را به او یاد بدهید. سپس او را رها کنید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، آن گاه «محمد رسول الله» را یادش بدهید، پس تا سن چهار سالگی او را رها سازید و در سن چهار سالگی صلوات بر محمد را یادش بدهید.»^{۱۴}

همانطوری که از این حدیث استفاده می شود، در آموزش معارف اسلامی، مربی باید ویژگی های سنین مختلف را مد نظر داشته باشد و تدریجی بودن آموزش را به عنوان اصلی اصیل و متین باید در نظر داشته باشد. به تدریج که سن کودک افزایش پیدا می کند، تجلی و بروز احساسات مذهبی بیشتر می شود. آن چنان که در شش سالگی می توان به عیان تظاهرات مذهبی و علاقه به انجام دادن رفتار مذهبی را در کودک دید.

کودک از شش سالگی علاقه مذهبی نیرومندی دارد. دوستدار حرف زدن با خدا و ارتباط با اوست، امری که والدین غیر مذهبی از آن عصبانی و نگران هستند، که چرا این همه علاقه به مذهب در کودک بروز کرده است.

مذهب در سنین مختلف برای کودکان معانی مختلفی دارد ولی دنیای آنها از حدود شش سالگی دنیای عشق، محبت و احترام به خدا، ستایش و نیایش او، احساس شرمساری در صورت تخلف از دستور خداست. حتی این امر در قیافه او پیداست.^{۱۵} برطبق نظر روان شناسان تمیز بین خیر و شر از حدود شش سالگی است، در این سن است که به نظر روانکاوان «من برتر یا فرا خود» او رشد می کند و می تواند به تدریج برای خودش کنترلی ایجاد کند.^{۱۶} تفکر منطقی کودکان از حدود سنین هفت سالگی ظهور می کند. لذا مربی باید سعی کند مسایل دیری را به صورت منطقی و با زبانی که برای کودک قابل فهم است، بیان کند.^{۱۷} از حدود هشت سالگی به بعد شوق مذهبی او بیشتر و به مسایل مذهبی علاقه مندتر می شود، و سعی می کند کاری انجام دهد که

^{۱۱} کرانباخ برای تکمیل منش انسان پنج مرحله ذکر می کند که عبارتند از: ۱- مرحله غیر اخلاقی ۲- مرحله خود مرکزی ۳- مرحله صوری (همرنگی صوری) ۴- مرحله آگاهی غیر عقلانی ۵- مرحله آگاهی عقلانی به نظر کرانباخ در مرحله اول کودک یک موجود غیر اخلاقی است، لذا نظر طرفداران کلیسا درباره «گناه نخستین انسان» و نظریه متفکران کودک - مدار از «روسو» به بعد که طبیعت کودک را هنگام تولد «نیک» می دانستند، نادرست است.

برای توضیح بیشتر به کتب ذیل رجوع شود:

الف - هری شفیلد: «کلیات فلسفه آموزش و پرورش»، ترجمه غلامعلی سرمد، ص ۳۱۹ - ۳۲۴

ب - علی ذکاوتی قراگزلو: «آموزش و پرورش مبانی و نظریه ها»، ص ۳۶ - ۴۰

^{۱۲} علامه مجلسی: «بحار الانوار»، ج ۳، ص ۲۸۱

^{۱۳} علی قائمی: «پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان»، ص ۳۲

^{۱۴} در ادامه حدیث بیان می شود تا سن نه سالگی به ترتیب، کدام یک از معارف اسلامی باید آموخته شود. مکارم الاخلاق، ص ۲۰۲ به نقل

از «محمد رضا شرفی»، «مراحل رشد و تحول انسان»، ص ۲۱۱

^{۱۵} علی قائمی: «پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان»، ص ۳۲ - ۳۳

^{۱۶} همان، ص ۱۶۰

^{۱۷} همان، ص ۶۷

به گفته والدین و مربیان او مورد رضای خداست^{۱۸}. و در حدود سنین هشت سالگی است که اخلاق و اصول اخلاقی در کودکان درونی می شود و ضابطه ای از درون او را تحت کنترل درمی آورد.^{۱۹}

از حدود نه سالگی نیروی ادراک مذهبی در کودک رشد می کند و درباره خدا پرسش های مکرر می کند. تاثیر مذهب برای پرورش اخلاق فوق العاده است و می توان از نیروی آن برای رسیدن به مقصود کمک خواست، تصور این امر که وجود برتر بر تمام اعمال او نظارت دارد کودک را وامی دارد که در برابر وسوسه ها خود نگهدار باشد. این امر در سنین قبل از ده سالگی وجود دارد، اما ضعیف است، ولی از حدود دوازده سالگی صورت جدی تر می گیرد، آن چنان که حتی روابط انسانی و اخلاقی او با این مساله شکل می گیرد.^{۲۰} در مجموع، دوره دبستان نسبت به مراحل قبل یا بعد دوره ثبات و آرامش و سازگاری سهل بشمار می رود. در این سنین، بحران عمیق شخصیت دیده نمی شود و تکامل آن منظره انجام می گیرد و این دوره، دوره عقل و دانایی و میل به زندگانی اجتماعی و فعالیت است^{۲۱} همانطوری که ملاحظه می کنیم، مایه های فطری مذکور زمینه های بسیار خوب برای درونی کردن ارزش های اسلامی در متربیان را برای مربیان فراهم می کند.

روش های تربیتی مربیان برای درونی کردن ارزش های اسلامی

۱ روش بصیرت بخشی (اعطای بینش)

اگر مربی به مربی بینشی عطا کند، که در سایه آن مربی درک کند که خدا شهید و شاهد است و هرچه جز او مشهود است علاوه بر خدا، ملائکه، پیامبران نسبت به امت های خود، جوارح انسان و حتی سنگ و خاک شاهد بر اعمال انسان هستند. «یومئذ تحدث اخلاؤها»^{۲۲} و اگر مربی احاطه علمی^{۲۳} خدا بر همه موجودات و احاطه خدا از حیث قدرت را درک کند و این بینش را پیدا کند که موجودات هستی تحت نفوذ قدرت خدایند^{۲۴} و اگر رحمانیت خدا نسبت به مخلوقات را درک کند و بداند که خداوند بی بخل و بدون چشمداشت به مخلوقات فیض عطا می کند^{۲۵}.

و اگر در سایه اعطای بینش مربی، مربی درک کند که حقیقت وجود انسان «احتیاج» است و انسان هم در اصل وجود و هم در بقاء به حضرت حق نیازمند است^{۲۶}. و آرامش انسان تنها با یاد خدا حاصل می شود و اگر بینش مربی درباره مرگ تغییر کند و بفهمد که مرگ نابودی نیست، بلکه آغاز حیات دیگری است که بسیار قویتر از حیات دنیوی است^{۲۷}. و مربی درک کند که اصل مرگ در اختیار انسان نیست، اما چگونه مردن در اختیار انسان است و انسان باید مرگی را انتخاب کند که در آن سرسپردگی در برابر حضرت حق وجود داشته باشد^{۲۸}.

اگر دانش پژوه چنین بینشی پیدا کند، زمینه تغییر آفرینی در بسیاری از رفتارها و اعمال انسان فراهم می شود و به راه راست هدایت می شود و بنا به فرمایش علی (ع) در اثر این هدایت مرتب بر بصیرت او افزوده می شود^{۲۹} به همین جهت است که از

^{۱۸} همان، ۳۳

^{۱۹} همان، ص ۱۶۰

^{۲۰} همان، ص ۱۷۱ - ۱۷۲

^{۲۱} موریس دبس: «مراحل تربیت»، ترجمه علیمحمد کاردان، ص ۱۰۷

^{۲۲} زلزله / ۵

^{۲۳} ان الله قد احاط بكل شیء علما. طلاق / ۱۲

^{۲۴} و الله من ورائهم محیط

^{۲۵} یسئله من فی السموات و الارض کل یوم هو فی شان. الرحمن / ۲۹

^{۲۶} یا ایها الناس انتم الفقیر الی الله و الله هو الغنی الحمید. فاطر / ۱۵

^{۲۷} ان الدار الاخره لهی الحیوان لو كانوا یعلمون، عنکبوت / ۶۴

^{۲۸} یا ایها الذین امنوا اتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون. آل عمران / ۱۰۲

^{۲۹} بالهدی تكثر البصره، محمدی ری شهری: «میزان الحکمه» ج ۱، ص ۴۲۳

نظر روایات، انسانی که فاقد بصیرت باشد انسان بد نظر و بدگمان نسبت به خدا، نظام آفرینش، دنیا، حقیقت انسان و حقیقت مرگ است.^{۳۰}

و انسانی که از جهت بصیرت کور باشد، داشتن دیده ظاهری برای او فایده ای ندارد.^{۳۱} خلاصه گام اول برای درونی کردن ارزش های اسلامی و برای هر تغییر دیگری اعطای بینش و بیدار کردن چشم دل انسان است.^{۳۲}

در این میان این سوال مطرح می شود که معلم مقطع ابتدایی چگونه می تواند بصیرت بدهد

- ۱- او باید در درجه اول خود الگو و اسوه ی دانش آموزان در زمینه ی دینی و اخلاقی باشد
- ۲- شرط اصلی تأیید گفتار معلم در دانش آموزان این است که او در رفتار و گفتارش دوگانگی نداشته باشد.
- ۳- در کتابهای درسی مخصوصاً درس قرآن و هدیه ها به نکات جالبی اشاره شده که می توان بر روی آنها مانور داد و فطرت پاک و حق جوی دانش آموزان را بیدارتر نمود. مثلاً معلم درس علوم می دهد بچه ها را به تفکر در مورد عجایب دنیا وادار می کند و به آنها بصیرت می بخشد.
- ۴- آموزگار مقطع ابتدایی باید مراقب لحظه ها باشد و در لحظاتی که دانش آموزان را در شرع ی درک معرفت یافت جرعه ای از علم و بصیرت را به آن ها بنوشاند و همیشه حرفها و راهنمایی های پخته و آماده ای برای این منظور داشته باشد و لازمه ی این کار برنامه ریزی دقیق و حساب شده در این زمینه می باشد.

۲ روش پیش گیری

انسان رفتارها و کردارهایش متأثر از شرایط اجتماعی است. بنابراین مربی باید این شرایط را مهار کند و به سمت هدفهای تربیتی مورد نظر هدایت کند. مربی بصیر باید چنان دید وسیعی نسبت به مسائل تربیتی و آثار منفی و مثبت آنها داشته باشد، که بتواند تا حدی آثار منفی احتمالی برخی از گفتارها و کردارها در آینده را پیش بینی کند و مواردی که احتمال می دهد، برخی از متریبان درباره آنها دچار اشتباه شوند، به آنها گوشزد کند. مثلاً در مورد انتخاب دوست به آنها تذکر بدهد، دوستانی انتخاب کنید که شما را از گناهان نهی کنند، چون اگر افرادی انسان را به سوی گناه و نافرمانی خدا دعوت کنند، در واقع دشمن انسان هستند.^{۳۳}

۳ روش زمینه سازی

در شرایط و موقعیت های مختلف حالات و اعمال مختلفی از انسانها صادر می شود، لذا شرایط و اوضاع مختلف، در شکل دادن به حالت و اعمال انسان موثر هستند، یکی از وظایف مربی این است که در محیط تعلیم و تربیت زمینه ها و شرایط مساعدی برای درونی شدن ارزش های اسلامی فراهم کند. عوامل مختلفی می تواند زمینه مناسب برای درونی شدن ارزش های اسلامی فراهم کند، ما در این مقال به خاطر ضیق مجال فقط به دو عامل که مربوط به خود مربی است اشاره می کنیم و از ذکر سایر عوامل زمینه سازی صرف نظر می کنیم:

^{۳۰} فاقد البصیره سیئی النظر، همان

^{۳۱} نظر البصر لایجدی اذ عمی البصیره، همان

^{۳۲} در این مورد حکایتی نقل می کنند که روزی یک اتاقی کوچک و تنگ زیر شیروانی آتش گرفت. ماموران آتش نشانی برای خاموش کردن آتش به محل شتافتند و در آن اتاق مردی را دیدند که در خواب سنگین فرو رفته بود. سعی کردند او را در حالت خواب از پله های پایین بیاورند، اما نتوانستند و از نجاتش ناامید شدند، در همین هنگام رئیس آنان از راه رسید و گفت: بیدارش کنید ف خود جانش را نجات می دهد. اطلاعات علی ماه پنجم، شماره ۱۷ - ۱۵، آبان ماه ۱۳۶۹ به نقل از عبد الله باقری: «ارتباط ارزش های انسانی»، ج ۱، ص ۳۵ - ۳۶

^{۳۳} صدیق من نهاک و عدوک من اغراک، سید جلال الدین محدث: «فهرست موضوعی غرر الحکم»، ج ۷، ص ۲۰۳.۱

الف - خلوص نیت در کار :

اگر مربی به مقام محبوبیت درگاه حضرت حق نایل آید .^{۳۴} و در مقام تعلیم و تربیت ، نیت خالص داشته باشد ، یعنی سر و باطن خویش را از توجه به غیر خدا باز دارد و در انجام وظایفش تنها رضایت حضرت حق را در نظر داشته باشد ، و با خلوص نیت به وظایفش اشتغال داشته باشد و جلوه هایی از این خلوص نیت در رفتار مربی ظاهر شود ، معمولاً زمینه مساعدی برای انتقال و نهادی شدن ارزش های اسلامی در قلب دانش پژوهان فراهم می گردد . به همین خاطر مولای متقیان علی (ع) می فرماید : داشتن نیت نیکو باعث می شود که کارها به صورت سهلتر و آسانتر انجام گیرد و عامل در کارش موفق شود .^{۳۵} یا در حدیث دیگر می فرماید : کسی که نیتش را نیکو نماند ، خداوند او را در هدفش موفق می گرداند ، و کارش را قرین توفیق می سازد .^{۳۶}

ب - سعه صدر :

یکی دیگر از عوامل زمینه ساز برای درونی کردن ارزش های اسلامی این است که مربی از سعه صدر کافی برخوردار باشد . در روایات آمده است : « آله الریاسة سعه الصدر »^{۳۷} ، یعنی کسی که مسوولیت کاری را به عهده می گیرد باید سعه صدر داشته باشد ، و قدرت تحمل او در برابر مشکلات و ناملازمات زیاد باشد و با مشاهده یک امر نامطلوب عنان کار از دست او نرود ، بلکه با قلبی گشاده و روحی موسع با مسائل و مشکلات برخورد کند . به همین خاطر وقتی حضرت موسی (ع) از طرف خداوند به ماموریت بسیار بزرگ ، یعنی دعوت فرعون طاغی به ترک عصیان و پذیرش فرمان الهی مامور می شود ، او از خداوند نخواست که به او لشکر مجهز بدهد ، بلکه از خداوند خواست که به او شرح صدر عنایت فرماید : « قال رب اشرح لی صدري » در ادامه ، قرآن کریم نتیجه شرح صدر را آسان شدن کار معرفی می کند . « و یسرلی امری » .
مربی هم اگر در برابر دانش پژوهان مختلف که دارای ویژگیها و سلاقی مختلف هستند دارای سعه صدر باشد ، باعث می شود که بهتر بتواند با آن ها ارتباط برقرار کند و از طریق استمرار این ارتباط معقوله و محبوبانه ، زمینه را برای نهادینه کردن ارزش های اسلامی فراهم آورد .

ذکر این نکته خالی از ضرورت نیست که برای تربیت صحیح فرزندان اسلام ، در مورد انتخاب همسر ، شرایط انعقاد نطفه ، مادر در دوران حمل ، تغذیه نوزاد و ... دستورهای داده است ، که بیانگر روش زمینه سازی در تربیت اسلامی است .
اگر کودک را دانه ای فرض کنیم که باید رشد و نمو کند خانواده بستر رشدی او ، پدر و مادر هم باغبان باشند نقش خانواده در رشد فکر و عقل و معنوی و موزی با آنها رشد جسمی او بیشتر نمایان می گردد . اگر در جامعه ی کنونی ما مرسوم باشد که به نوجوانان و جوانان درس درست زیستن بدهند و در زمینه ی زندگی مشترک دوره دیده و ماهر باشند حتما خیلی از مشکلات خانواده ها حل می شود و دیگر جوانان ما به دنبال اعتیاد نمی روند دیگر با دست خود تیشه به ریشه ی زندگی خود نمی زنند و با یکدیگر به جارجنتال و لج و لجاجی نمی پردازند و مهارت فرزند پروری را نیز به نحو احسن کسب می کنند و به تامین نیازهای اساسی کودک می پردازند تا این کودک بتواند در آینده فردی شایسته و لایق بار آید .

۱ - **نیازهای فیزیولوژیک :** از قبیل نیاز به آب ، غذا ، گرما و سرپناه رابطه ای مثبت بین رژیم غذایی نامناسب و بروز مشکلاتی از قبیل بیش فعالی و اختلالات عاطفی و روانی دوره کودکی و نوجوانی وجود دارد .

^{۳۴} برای توضیح بیشتر به کتب ذیل رجوع شود :

الف - سید محمد مرتضوی : « اصول و روشها در نظام تربیتی اسلام » ، ج ۱ ، ص ۱۸۶ - ۱۸۷ و ص ۲۰۰ - ۲۰۲
ب - خسرو باقری : « نگاهی دوباره به تربیت اسلامی » ، ص ۱۰۲ - ۱۰۳

^{۳۵} تحسین النبیات تنجح المطالب ، سید جلال الدین محدث ، « فهرست موضوعی غرر الحکم » ، ج ۷ ، ص ۳۹۸

^{۳۶} من حسن نیته امده التوفیق ، همان ، ص ۳۹۹

^{۳۷} مظاهری : « ویژگیهای معلم خوب » ، ص ۴۵

۲- **نیاز به امنیت**: برخی از پدرها و مادرها با تنبیه بدنی و یا با کلماتی مستهجن و تحقیر کننده به کودکان خود از نظر روحی روانی آسیب می زنند و یا ممکن است معلمان نیز چنین رفتاری را با کودکان داشته باشند .

۳- **نیاز به محبت و احساس تعلق**: انسان ها موجودی اجتماعی اند و می خواهند که عضوی از یک گروه باشند این نیاز با حضور در محفل ها ، گروه های مختلف ، دسته ها و باشگاهها و به ویژه در خانواده ها برآورده می شود . بعضی اوقات کودکان (به ویژه کودکان طلاق) احساسات خود را نسبت به طرد شدن پنهان می کنند و این عقده های روانی را با رفتارهای ضد اجتماعی جبران می کنند .

۴- **نیاز به عزت نفس**: شاید کودکان بیشترین دردمر را در ارضای نیازهای خود برای عزت نفس داشته باشند به کودکان دستور داده می شود ؛ جهت داده می شود ؛ از آن ها انتقاد می شود ؛ و گاهی نیز تحقیر می شوند و در نتیجه آن ها « نادیده گرفته شده » و خوار و خفیف شمرده می شوند کودکی که بزرگسالان با وی چنین رفتار می کنند احساس حقارت کرده حالت تدافعی پیدا می کند و ممکن است عصبانی و سرکش شده و با دیگران بجنگد و با اینکه فطرتا به سوی ارزش ها گرایش دارد ؛ با زیر پا گذاشتن آن ها می خواهد جلب توجه کند و عده ای از این بچه ها نیز افسرده و منزوی می شوند و همه چیز در زندگی برایشان بی معنی می شود . می توان گفت که دسترسی و رضامندی از چهار سطح قبلی ، در دسترسی به سطح پنجم که خود شکوفایی است تاثیر مستقیمی دارد و توجه داشته باشیم که زمانی می توان به سطح پنجم در سلسله مراتب نیازهای مزبور دست یافت که به چهار سطح قبلی دسترسی پیدا کرده و آن نیازها ارضا شده باشند . به نظر مزلو شخص خود شکوفا در حال حرکت به سوی برآوردن توانایی ذاتی و بالقوه خویشتن است دسترسی به خود شکوفایی روشن می کند که موانعی از قبیل گرسنگی ، ترس ، کمبود عشق و دوست داشتن ، یا فقدان نیاز به تعلق و عزت نفس پایین ، نمی توانند مانع رشد کودک شوند همچنین دسترسی به خود شکوفایی به معنای نداشتن مشکل نیست ولی کودک با دسترسی به این سطح در واقع مهارت حل مسئله را آموخته است . یکی از توانایی های ذاتی و بالقوه انسان همان سیر الی الله و رسیدن به کمال واقعی انسان است اگر نیازهای اولیه وی که مزلو مطرح کرده برآورده شود انسان خود شکوفا همان انسانی می شود که ارزش ها در او درونی شده است .

۵ اهمیت نقش الگویی معلم : (روش الگو سازی)

اگر معلمی علم و گفتارش در کردارش و در اعضاء و جوارح او نمایان شود ، به نظر علی (ع) چنین معلمی از حیث شرافت در بالاترین رتبه است : « اشرف العلم ما ظهر فی الجوارح و الارکان . »^{۳۸}

معلم چون در کلاس و برای دانش پژوهان خود نقش امامت دارد ، براساس فرمایش علی (ع) یکی از وظایف عمده او این است ، قبل از آن که به تعلیم دیگران بپردازد و قبل از آن که با زبانش ادب کند ، با سیره عملی اش آنها را تادیب کند ، چون کسی که معلم و ادب کننده خویشتن است به احترام سزاوارتر است از کسی که معلم و مربی مردم است . « من نصب نفسه للناس اماما فعلیه ان یبدا بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره و لیکن تادیبه بسیرته قبل تادیبه بلسانه و معلم نفسه و مودبها احق بالاجلال من معلم الناس و مودبهم . »^{۳۹}

۶ روش استفاده از ظرافتهای هنری

روش های تربیتی را به صورت کلی می توان به دو قسم مستقیم و غیر مستقیم تقسیم کرد . استفاده از روش های هنری در تربیت ، جزء شیوه های غیر مستقیم محسوب می گردد . تجارب تربیتی ثابت کرده است ، آثاری که شیوه های غیر مستقیم تربیتی بر روی متربیان می گذارد ، نه تنها از جهت کمی بسیار بیشتر است ، بلکه از جهت کیفی نیز پایدارتر است . هنر از قدیم الایام در آیینهای مذهبی و اعتقادی نقش داشته و مثل زبانی مناسب برای بیان حالات عاطفی و باورهای اعتقادی به کار رفته است .

^{۳۸} سید جلال الدین محدث : « فهرست موضوعی غرر الحکم » ، ج ۷ ، ص ۲۷۸

^{۳۹} سید رضی : « نهج البلاغه » ، کلمات قصار ، ۷۳

۷ روش تبشیر

هر مربی برای تربیت متریبان لازم است، تکالیفی برای آنها معین کند. تکلیف معمولاً همراه با کلفت و سختی است و رغبت انسان را نسبت به کار کم می کند. لذا برای اینکه از سختی تکالیف کاسته شود و متریبان با دیده قبول به تکلیف بنگرند، باید به آنها بشارت داد.

یکی از روش های تربیتی پیامبران الهی برای هدایت مردم به سوی ارزش های الهی، بشارت دادن بوده است، یعنی به مردم بشارت می داده اند که بعد از انجام این تکالیف چه عطایایی نصیب شما می شود. لذا یکی از صفات همه پیامبران الهی «مبشر» بوده است. قرآن در این باره می فرماید: «والی مدین اخاهم شعینا فقال یا قوم اعبدو الله و ارجو الیوم الاخر»^{۴۰}، برادر اهل مدین را به سوی آنان فرستادیم، پس به آنان گفت: ای مردم خدا را عبادت کنید و روز آخرت را امید برید. براین اساس است که انبیاء مردم را به بهشتی بشارت داده اند که در آن هرچه میل داشته باشند و هرچه چشمها را در آن شیفتگی نگرستن باشد مهیا است.^{۴۱}

این مطلب بیان می کند که مربی نباید به ایده آل های بسیار بزرگ، دل خوش کند و براساس آن ایده آل ها با همه متریبان یکسان رفتار کند. قرآن در عین حال که برای عده ای از انسانهای وارسته از نعمت رضوان در بهشت سخن می گوید، اما چون همه مردم به این مقام نمی رسند برای عده ای دیگر بشارت خوراکی های لذیذ و پوشیدنی های زیبا^{۴۲} و خیره کننده و تفرجگاههای روح نواز^{۴۳} را بیان می کند.

این بشارتها، مبین نکته تربیتی بزرگی برای همه مربیان است و آن این است که بشارت برای همه متریبان نباید از نوع واحدی باشد، چون امری ممکن است در یک مربی، شوقی زاید الوصف ایجاد کند و همین امر در مربی دیگر نه تنها شوقی ایجاد نکند، بلکه نفرت نیز ایجاد کند.

در روایات نیز به این روش توجه شده است. از جمله آنها روایت ابن عباس است. ابن عباس می گوید: وقتی آیه «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا و داعیا الی الله باذنه و سراجا منیرا»^{۴۴} نازل شد، پیامبر گرامی اسلام (ص) به حضرت علی (ع) و معاذ دستور داده است که به سوی یمن حرکت کنید و به آنها فرمود: به سوی مردم یمن حرکت کنید و تلاش کنید با گفتار و کردارتان به آنها بشارت دهید و در آنها تنفر ایجاد نکنید، و سعی کنید کار را برای آنها آسان کنید و برای آن، مانع تراشی نکنید و کارها را برای آنها سنگین نکنید، چون خداوند آیه «یا ایها النبی ...» را بر من نازل کرده است.^{۴۵}

۸ روش تشویق

یکی از روش های موثر برای نهادینه کردن ارزش های اسلامی در متریبان، روش تشویق است. هر انسانی در تمام سنین دوست دارد، اولاً دیگران از کارهای مثبت و فضایل او مطلع گردند و ثانیاً از او سپاسگزاری کنند. این امر در سنین کودکی، نوجوانی و جوانی از حساسیت بیشتری برخوردار است.

^{۴۰} عنکبوت / ۳۶

^{۴۱} و فاکهه مما یتخیرون و لحم طیر مما یشتهون. واقعه / ۲۲. میوه های که دل خواه آنها است و خوراک پرنده از آن نوع که میل داشته باشند برای آنان فراهم است.

^{۴۲} و بلبسون ثیابا خضرا من سندس و استبرق، کهف / ۳۱

^{۴۳} «و ان المتقین فی جنات و عیون»، حجر / ۴۵ برای پرهیزکاران در بهشت چشمه های دل نواز است.

^{۴۴} احزاب / ۴۵. ای پیامبر ما تو را به عنوان شاهد و بشارت دهنده و ترساننده و دعوت کننده به سوی خدا منتهی با اذن الهی و چراغ روشن گر قرار داده ایم.

^{۴۵} عن ابن عباس: قال «لما نزلت یا ایها النبی انا ارسلناک ...» و قد کان امر علیا و معاذ ان یسیرا لی الیمن فقال «انطلقا فبشرا اولاً تنفرا و سیر اولاً تمسرا، فانه قد انزل علی «یا ایها النبی»، محمد ری شهری: «میزان الحکمه»، ج ۱، ص ۴۶۹

۹ روش تربیتی انذار

راغب اصفهانی انذار را به خبر دادنی که همراه با ترس دادن باشد، معنا کرده است.^{۴۶} مقتضای عدل الهی این است که پیش از وقوع مجازات، آگاهی کافی نسبت به آن ایجاد شود، زیرا کسی حقیقتاً قابل مجازات است که عالماً و عاملاً به کار خلاف اخلاق اقدام کند. آنچه آگاهی مزبور را ایجاد می‌کند، انذار است. اگر با حصول این آگاهی انسان مبادرت به خطا کند، پس مجازاتش مطابق عدل خواهد بود، از این رو انذار از شیوه‌های مبتنی بر اصل عدل است. قرآن می‌فرماید: «و ما اهلکنا من قریه الا منذرون ذکرى و ما کنا ظالمین.»^{۴۷} در درونی کردن ارزش‌ها، بیشتر از تاثیر ترس است، «الحب افضل من الخوف»^{۴۸}

۱۰- روش تربیتی تکریم

یکی از غرایز مهم در نهاد انسان «غریزه حب ذات» است. براساس این غریزه هر کسی، عاشق و شیفته خودش است. «حب به ذات» اگر به نحو درست از آن استفاده شود، می‌تواند یکی از پایه‌های مهم تربیت انسان در تمام سنین باشد. به نظر «پیازه» یکی از فواید روش تکریم شخصیت این است که کودک را از مرحله «دیگریروی» که از مشخصات احترام یک جانبه است به مرحله «خود پیروی» ارتقا می‌دهد. شیوه تکریم شخصیت، تا حدی آزادی مورد نظر «جان دیویی» را نیز فراهم می‌کند، چون فردی که احساس کند در نزد افراد دیگر دارای شخصیت است، به راحتی مرتکب خلافی نمی‌شود، بلکه سعی می‌کند، که جوانب متعدد عمل را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، تا این عمل اسباب تنزل مقام او را فراهم نکند. به نظر «جان دیویی» تنها آزادی، آزادی عقل است. آزادی عقل وقتی تحقق پیدا می‌کند که فرد بتواند قضایای مختلف را مورد بررسی قرار دهد، هدفهای اساسی و بارزش برای خود انتخاب کند و با استفاده از وسائل مقتضی برای نیل به هدف‌های خود اقدام نماید.^{۴۹} در شیوه‌ی تربیتی ائمه کلمات ظریف و مهمی درباره تکریم شخصیت وجود دارد از جمله اینکه پیامبر (ص) به کودک کلی سلام می‌کردند. ام‌الفضل می‌گوید پیامبر (ص)؛ حسین (ع) را در ایام شیرخوارگی از من گرفت و بغل کرد حسین به لباس پیامبربول کرد پس من حسین را به شدت از پیامبر گرفتم، به طوری که گریه افتاد پیامبر (ص) به من فرمود: ام‌الفضل آهسته تر، این بول را آب تله‌یر می‌کند، اما چه چیزی می‌تواند کدورت و ناراحتی را از قلب حسین برطرف سازد.^{۵۰}

^{۴۶} راغب اصفهانی: «المفردات»، الانذار اخبار فیه تخویف

^{۴۷} شعراء / ۲۰۷ - ۲۰۸. ما اهل هیچ دیاری را تا انذار گرانی برای آنان نفرستادیم هلاک نکردیم، این پند است و ما هرگز به کسی ستم نکردیم.

^{۴۸} برای توضیح بیشتر به کتب ذیل رجوع شود:

الف - ژان پیازه: «تربیت به کجا ره می‌سپرد؟»، ترجمه منصور و دادستان، ص ۹۳ - ۹۷

ب - محسن شکوهی یکتا: «روشهای تربیت اسلامی»، ص ۳۰ - ۴۲

ج - علی قائمی: «پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان»، ص ۴۵ و ص ۶۵ و ص ۱۷۰ و ص ۱۷۸

د - خسرو باقری: «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی»، ص ۱۶۰ - ۱۶۲

^{۴۹} علی شریعتمداری: «اصول و فلسفه تعلیم و تربیت»، ص ۴۹ - ۵۰

^{۵۰} هدایه الاحباب، ص ۱۷۶ به نقل از ابراهیم امینی: «آئین تربیت»، ص ۲۴۶

۱۱- روش تربیتی موعظه حسنه :

موعظه برای نفس انسان ضرورت دارد در نفس انسان پاره ای انگیزه های فطری هست که همیشه به ارشاد و تهذیب نیاز دارند و این کار جز با موعظه میسر نمی شود .

علی (ع) در موارد مکرر تصریح کرده اند که موعظه منحصر به زبان نیست ، بلکه اگر کسی دارای فکر و اندیشه باشد و از زیرکی خاصی برخوردار باشد ، همه اشیاء و حوادث جهان برای او نقش واعظ را ایفا می کنند ^{۵۱} و با زبان حالی به او می فهمانند ، که بر این چند روز دنی و امکانات اندک آن مغرور مشو ، چون فردای دیگری نیز وجود دارد ، که باید پاسخ گوی گفتارها و کردارهایت باشی .

از طرفی در برخی روایات شرایطی نیز برای موعظه ذکر شده است . یکی از شرایط مهم موعظه این است ، که باید حالت سری و مخفی داشته باشد ، ^{۵۲} یعنی واعظ در بار اول در میان جمع ، خطاها و تخلفات فرد خاطی را بیان نکند ، چون این عمل باعث تحقیر شخصیت طرف می شود ، به همین خاطر موعظه اثر نمی کند ، و حتی ممکن است اثر منفی داشته باشد ، و طرف مقابل را به عکس العمل منفی وادار کند . اما اگر به صورت مخفیانه به فرد خاطی تذکر داده شود ، احتمال پذیرش وعظ از سوی متربی خیلی بیشتر است .

از جمله شرایط دیگر موعظه آن است که باید زمینه قلبی مناسبی در شنونده موعظه وجود داشته باشد ، اگر چنین زمینه مساعد قلبی وجود نداشته باشد و شعله های فطرت اخلاقی او بسیار کم نور و به سوی تاریکی گرایش پیدا کند ، در این صورت موعظه اثر نمی کند . ^{۵۳} شرط سوم موعظه آن است ، که زیاد طولانی نباشد ^{۵۴} ، چون طولانی شدن آن باعث خستگی شنونده و کم شدن تاثیر موعظه می شود .

۱۲- روش تربیتی سیاحت

مکانهای مختلف با ویژگی های متفاوتشان بر روحیه انسان آثار متفاوتی برجای می گذارند ، لذا شایسته است مربی برای درونی کردن ارزش های اسلامی ، گاهی از روش سیاحت استفاده کند و متریبان را به مکانهای جدید ببرد و با استفاده از برنامه تربیتی حساب شده از این اردوها بیشترین استفاده را ببرد . تجربیات نشان داده است ، دانش پژوهان مسائل ارزشی و تربیتی را در این اردوها بیشتر از محیطهای آموزشی فرا می گیرند و تاثیر برنامه های تربیتی در اردوها خیلی بیشتر از اجرای همان برنامه ها در محیط آموزشی است . در قرآن انسان را به سیر و سیاحت در روی زمین دعوت می کند و این روش را برای تحقیق سه هدف عمده مفید و موثر می داند . این اهداف عبارتند از :

الف - برای شناخت خدا :

خداوند در قرآن می فرماید : ما به زودی نشانه هایمان را در سراسر جهان و در درون انسانها به آنان نشان خواهیم داد تا ثابت شود که خداوند حق است . ^{۵۵}

ب - برای باور کردن معاد :

قرآن می فرماید : اگر انسان سیاحتش همراه با تامل و تفکر باشد ، از این طریق می تواند به وجود عالمی دیگر به نام قیامت رهنمون گردد . ^{۵۶}

^{۵۱} ان فی کل شیئی موعظه و غیره لذوی اللب و الاعتبار ، للکیس فی کل شی اتعاض ، میزان الحکمه ، ج ۱ ، ص ۵۸۲

^{۵۲} من وعظ اخاه سرا فقد زانه و من وعظ علانیه فقد شانه . همان ص ۵۸۰

^{۵۳} من لم یجعل له من نفسه واعظا ، فان مواعظ الناس لن تغنی عنه شیئا ، همان ، ص ۵۸۲

^{۵۴} اذا و عظت فاجز ، همان ص ۵۸۹

^{۵۵} سنبههم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق . فصلت / ۵۳

^{۵۶} قل سیر وافی الارض فانظروا کیف بدء الخلق ثم الله ینشی النشاه الاخره ان الله علی کل شی قدیر . عنکیوت / ۲۰

ج - شناخت سرنوشت منحرفان .

خدا در قرآن بارها امر به سیر و سیاحت در زمین کرده و مردم را به دیدن عاقبت ستم کاران تشویق نموده است .

۱۳- روش تربیتی زیارت :

زیارت را به دو قسم می توان تقسیم کرد که عبارتند از :

الف - زیارت اشخاص

ب - زیارت اماکن متبرکه و مقابر مشرفه

الف - زیارت اشخاص

دیدار دانشپژوهان علی‌المان وارسته ای که اسیر مال و مقام و دنیا پرستی نیستند ، و خود را از زندگی تنگ « انانیت » رها کرده و قدم در وادی ایمن « عبودیت » گذاشته اند ، - حتی اگر چنین عالمانی فرصت سخن گفتن هم نداشته باشند - بسیار مفید و موثر است . تجارب تربیتی متعددی موید این ادعا است و اثر این روش تا بدان حد است ، که حضرت موسی (ع) با این که از مقام نبوت برخوردار بوده خداوند برای نابودی رگه های بسیار ضعیف « انانیت » در او و تثبیت مقام رفیع « عبودیت » در وجودش ، به او دستور می دهد که به زیارت خضر (ع) برود .^{۵۷}

امام رضا (ع) نیز به شیعیان دستور داده است ، هرکسی که نمی تواند به ملاقات ما بیاید به ملاقات دوستان صالح ما برود ، در این صورت خداوند ثواب ملاقات با ما را به او می دهد .^{۵۸}

ب - زیارت اماکن متبرکه و مقابر مشرفه

زیارت اماکن متبرکه مثل مساجد ، تکایا و مقابر مشرفه مثل قبر ائمه معصومین و فرزندان صالح آنها و مزار شهیدان و ... نیز می تواند تاثیر بسیار زیادی در روحیه متربیان داشته باشد ، در کتب روایی ما آثار متعددی برای زیارت هریک از اماکن متبرکه مختلف و مقابر مشرفه متعددی برای زیارت هریک از اماکن متبرکه مختلف و مقابر مشرفه متعدد ذکر شده است ، که همه آنها باعث تطویل این مقال می شود ، لذا به ذکر یک حدیث اکتفا می کنیم . امام رضا (ع) در این باره فرموده است : « پیروان و دوستان هر امامی نسبت به او تعهدی دارند و تکمیل کردن وفای به عهد نسبت به امام این است که به زیارت قبور آنان بروند ، بنابراین هرکس که به عشق زیارت آنان و تایید آنچه آنان به آن تشویق کرده اند به زیارت آنان برود ، امامان آنان ، روز قیامت شفیع آنان خواهند بود .^{۵۹}

۱۴- روش تکلیف به اندازه توان و مرحله ای کردن آن

چون انسانها از جهت میزان درک و توانایی با یکدیگر یکسان نیستند ، لذا برای درونی کردن ارزش های اسلامی یک معلم خبیر هرگز نباید انتظار داشته باشد ، یک نسخه واحد برای همه متربیان خود بنویسد و همه آنها به آن عمل کنند و گام در مسیر سعادت بردارند ، چون چنین انتظاری مبین درک نادرست مربی از مخاطبان خود است . خداوند که بهتر از همه افراد به انسانها شناخت دارد ، و بیش از همه برگردن انسان حق دارد ، می فرماید : ما هیچ انسانی را بیش از توان و قدرت او مکلف نمی گردانیم .^{۶۰}

پیامبر گرامی اسلام در حدیثی توضیح داده اند که این نکته منحصر به صحنه عمل نیست ، بلکه همه پیامبران الهی در حوزه گفتار نیز این اصل را مراعات می کرده اند و به اندازه فهم آنان سخن می گفته اند .

^{۵۷} شرح بیشتر این مساله را در تفاسیر قرآن ذیل آیات ۶۲ - ۸۳ سوره کهف باید تعقیب کرد .

^{۵۸} من لم یقدر علی صلتنا فیصل علی صالحی موالینا و یکتب له ثواب صلتنا ، مسند امام رضا ، ج ۲ ، ص ۲۵۴ به نقل از سید محمد مرتضوی

: « اصول و روشها در نظام تربیتی اسلام » ، ص ۲۱۸

^{۵۹} ان لكل امام عهدا فی عنق اولیائه و شیعته و ان من تمام الوفاء بالعهد و زیاره قبورهم فمن زارهم رغبه فی زیارتهم و تصدیقا فیما رغبوا فیه

كان ائمتهم شفعاوهم یوم القیمه ، مسند الامام الرضا ، ج ۲ ، ص ۲۵۴ ، به نقل از همان ۲۲۳

^{۶۰} لا یكلف الله نفسا الا ما آتاه ، طلاق / ۷

« ما همه پیامبران موظف هستیم که به اندازه عقول مردم با آن سخن بگوییم . »^{۶۱} گاهی ممکن است در محیط آموزشی زمینه اجرا و تحقیق برخی از ارزش های اسلامی فراهم نباشد . یک مربی خبیر نباید انتظار داشته باشد که همه ایده آل ها در زمان کوتاه و یک جا تحقق یابد ، بلکه برای تحقق ارزش های اسلامی در محیط آموزشی باید یک طرح اجرایی کوتاه مدت ، میان مدت و بلند مدت ، طراحی کند . بعد از انجام هر مرحله از طرح موفقیت و شکست ها را ارزیابی کند ، شکست ها را در مرحله بعد جبران و عوامل موفقیت را نیز تقویت کند .

پیامبر اسلام که بهترین الگوی همه مسلمانها است برای تحقق جامعه اسلامی در مدینه ، از روش مرحله ای کردن تکالیف سود برده است . خداوند نیز در ابلاغ تکالیف شرعی نیز از این روش استفاده کرده است ، مثلا در مورد « ربا » خداوند یکباره آن را تحریم نکرده است . بلکه ابتدا در مکه به طور ملایم فرموده است ، برکت و افزونی مال در زکات است نه ربا^{۶۲} و بعد در مدینه آیه دیگر نازل شده است و رباخواری را نهی کرده و پیامد آن را عذاب الهی دانسته است^{۶۳} و در نهایت ، آیات دیگر با شدیدترین لحن آن را منع کرده است و رباخواری را به منزله جنگ با خدا اعلام کرده است .^{۶۴}

نقش متون آموزشی (کتب درسی) در درونی کردن ارزش های اسلامی :

در تنظیم برنامه درسی آموزشگاهها ، یکی از مسائل مهم انتخاب مواد درسی — آنچه دانش پژوه باید در آموزشگاه آن را فرا بگیرد — است ، یعنی باید معین شود که در مدرسه چه چیزی باید آموخته شود . در سازمان دادن مواد درسی ، دانشمندان تعلیم و تربیت تئوری های مختلفی ارائه داده اند ، اگرچه در این تئوری ها مختلف نحوه برخورد و استفاده از متون آموزشی یکسان نیست ، ولی در همه این نظریه ها ، متون آموزشی (کتب درسی) از درجه اهمیت والای برخوردارند .

در تهیه و تدوین متون آموزشی ، اهداف کلان تعلیم و تربیت ، نقش بسیار مهمی را ایفا می کنند . براساس اهداف کلان تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران ، نقش متون آموزشی در درونی کردن ارزش های اسلامی جدی تر می گردد . در اهداف کلان تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است ، که براساس آیه شریفه « و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون » هدف آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران پرورش عبد صالح است .

نقش فضای فیزیکی آموزشگاه در درونی کردن ارزش های اسلامی

مکان و فضای فیزیکی که انسان در آن زندگی می کند ، یا به تعلیم اشتغال دارد ، با توجه به ویژگی های مختل ف ، می تواند اسباب رغبت و تمایل ، یا اسباب نفرت و انزجار را فراهم آورد .^{۶۵}

مربی خلاق و خوش ذوق می تواند ، با استفاده از طراحی ها ، نقاشی ها و خطاطی های گوناگون در کلاسها یا راهروها یا حیاط و نمازخانه مدرسه ، اسباب توجه دانش پژوهان را به سوی ارزش های اسلامی فراهم کند . مثلا در حیاط مدرسه ، یا راهروها آیات یا احادیثی که مبین بزرگداشت مقام علم و علماء و یا داعی انسان به سوی تزکیه نفس و تقوا هستند ، با خط زیبا نوشته شود . یا با استفاده از هنر نقاشی ، برخی از ارزش های اسلامی ، در راهرو یا حیاط و یا نمازخانه مدرسه و ... نمایش داده شود و یا وضوخانه مدرسه و بالاخص نمازخانه مدرسه همیشه تمیز نگه داشته شود ، و فضای نمازخانه را با استفاده از گلاب و دیگر چیزهای معطر ، خوشبو نگه داشته شود ، یا با استفاده از دکورهای مختلف و زیبا محیط مدرسه بالاخص نمازخانه را برای دانش پژوهان به عنوان یک محیط جاذب و دلکش قرار دهد ، نه آنکه بالعکس مثلا وضوخانه یا نمازخانه مدرسه یک حالتی داشته باشد ، که حضور در آن ، یک حالت ناراحتی و تنفر به دانش پژوه دست دهد و از یادآوری ویژگی های آن ، حالت اشمئزاز به او دست دهد .

^{۶۱} انا امرنا معاشر الانبياء ان تكلم الناس بقدر عقولهم . حکیمی : « الحياه » ج ۱ ، ص ۱۴۶

^{۶۲} روم / ۳۹

^{۶۳} آل عمران / ۱۳۰

^{۶۴} بقره / ۲۷۹

^{۶۵} برای توضیح بیشتر به منابع ذیل رجوع شود :

الف — رجبعلی مظلومی : « گامی در مسیر تربیت اسلامی » ، ص ۳۴۴ — ۳۴۵

نتیجه ی این مقاله :

مزایا : اطلاعات تقریباً جامعی از راه و روش های درونی کردن ارزش ها در اختیار خوانندگان قرار می دهد . محدودیت ها : چون ما تهیه کنندگان این مقاله در حین اشتغال به کار ، دانشجو نیز هستیم و با وجود مسئولیت های همسر بودن مادر بودن و آموزگار بودن و دانشجو بودن به امر تحقیق نیز پرداخته ایم مسلماً به بسیاری مطالب نتوانسته ایم آن طور که باید بپردازیم .
کاربردها : برای پدران و مادران و همچنین همکاران علاقمند به کار در زمینه ی درونی کردن ارزش ها در دانش آموزان می تواند راهگشا باشد .

فهرست مراجع و ماخذ

کتاب ها :

۱ نام نویسنده : دکتر عین الله خادمی

عنوان کتاب : بررسی عوامل موثر بر درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش آموزان

نوبت چاپ : نوبت اول

محل نشر : چاپخانه و الفجر هنرستان

ناشر : اداره کل آموزش و پرورش

سال انتشار : تابستان ۱۳۷۹

۲ ویراستاران : دکتر محمد جنتی فر – دکتر حسین چاوشی

عنوان کتاب : چکیده مقالات برگزیده همایش پژوهش کار برای کیفیت بخشی آموزش و درونی کردن ارزش های اسلامی

محل نشر : دبیرخانه و تایب و تکثیر اداره کل

ناشر : اداره کل آموزش و پرورش استان قم

سال انتشار : شهریور ۱۳۷۹

۳ نام نویسنده : محمد حسین نژاد

عنوان کتاب : مفاهیم و کاربردها در مشاوره با کودکان

نوبت چاپ : چهارم

محل نشر : اسپند هنر (لاسمی)

ناشر : اسپند هنر